

آیا ادبیات کودک و نوجوان می‌تواند مدرن باشد؟

■ حسین بکایی

بحث درباره مفهوم مدرن و ادبیات مدرن نیز در برخورد با ادبیات کودک و نوجوان، دچار همان مشکل می‌شود. به همین دلیل، در این نوشته نخست این دو همنشین قدیمی را از هم جدا می‌کنیم تا گفت‌وگو ممکن شود.

۲- ما تعریف واژه مدرن را از بحثی که دوتن از اندیشمندان حلقه فرانکفورت، در تعریف فرهنگ پیش می‌کشند، استخراج می‌کنیم. آنان می‌گویند: فرهنگ مدرن حاصل داشتن نگاهی انتقادی است به فرهنگی که هست. این اندیشمندان با این تعریف از فرهنگ که می‌گویند، فرهنگ بیان زندگی روزمره است، مخالفت می‌کنند و می‌گویند، فرهنگ بیان انتقادی زندگی روزمره است و براساس این نگاه، عنوانی را پیش می‌کشند که در آن دو شکل از فرهنگ با هم متفاوت انگاشته می‌شود؛ یکی «فرهنگ مدرن» و دیگری «صنعت فرهنگ».

منظور از فرهنگ مدرن، حضور فعال عقل منتقد رادیکال است در تمامی زوایای زندگی انسان و نو کردن آن‌چه به عنوان فرهنگ رواج دارد. این نو کردن نه به معنی تولید دوباره آن‌چه هست، بلکه به معنای تولید آن‌چه نیست، به کار می‌رود.

در مقابل فرهنگ مدرن، صنعت فرهنگ قرار می‌گیرد. منظور از صنعت فرهنگ، حضور عقل

در این نوشته می‌کشیم که با تعریف مفهوم «مدرن» از نگاه آدورنو و هورکهایمر، دو تن از متفکران برجسته فرانکفورت که مهم‌ترین منتقدان دنیای جدید به شمار می‌روند ثابت کنیم که ادبیات کودک نمی‌تواند منتقد و مدرن باشد، اما بخشی از ادبیات نوجوان که با ادبیات بزرگسالان نزدیک‌تر است، توان منتقد بودن در نتیجه مدرن شدن را دارد.

۱- از زمان پیدایش شاخه‌ای از ادبیات به نام ادبیات کودک و نوجوان، همنشینی دو اضافه «کودک» و «نوجوان» در کنار واژه ادبیات، آن‌قدر متداول شده است که امروز دیگر به آسانی نمی‌توان آن دو را از هم جدا ساخت و هر یک را به تنهایی بررسی کرد. اما در همین چند سال اخیر، از طرف کارشناسان زرمزه‌هایی شنیده می‌شود که تلاش می‌کنند ادبیات کودک را جدای از ادبیات نوجوان بشناسانند. به نظر می‌رسد که مشکل این همنشینی، در تفاوت اساسی دوران کودکی با دوران نوجوانی باشد و از آن‌جا که ادبیات کودک و ادبیات نوجوان مخاطب خاص دارند و موضوع و زبان و فضا و شخصیت و حادثه و... خاص خود را می‌طلبند، در هنگام نیاز به تعریف کردن مفاهیمی چون ادبیات کودک و ادبیات نوجوان، به دلیل تحمیل شدن ویژگی‌های کودک بر ادبیات نوجوان و کارشناسان دچار مشکل می‌شوند.

فرهنگ جامد شده‌اند، نقد می‌کند، به ناگزیر عقلی رادیکال و پرخاش‌گر است.

در مقابل، عقل ابزاری که وظیفه خود را توجیه و توصیف شرایط موجود و نه توضیح و جست‌وجوی علل شرایط موجود، قرار داده است، عقلی محافظه‌کار و در خدمت صاحبان قدرت و ثروت و سلطه‌جویان است. عقل ابزاری، انسان را به انتقاد خارج از چارچوب‌های از پیش تعریف شده و مورد قبول انتقاد و نیز به پرخاش، خارج از چارچوب‌های تعریف شده و مورد قبول پرخاش، مجاز نمی‌داند. عقل ابزاری، انسان‌ها را یک‌سان و یک‌شکل می‌خواهد و سعی می‌کند که همه انسان‌ها را در یک قالب قرار دهد.

۲- دوران کودکی، دورانی خاص از زندگی انسان است که با مرزهای تا حدودی مشخص، از دوران نوجوانی جدا می‌شود. هرچند این مرزها، آن‌چنان که باید در قالب معادلات ریاضی قابل تعریف نیست، تفاوت‌های شناخته شده، چه روش‌های علمی و چه تجربه‌های برحسب تجربه‌های تاریخی بشری، باعث شده است که در کتاب تعاریف بشری از حقوق انسان‌ها، نیاز انسان‌ها، وظایف انسان‌ها و... حقوق و نیاز و توان کودک فصلی خاص داشته باشد.

دوران نوجوانی هم دورانی خاص است با مرزهای تا حدودی مشخص از دوران کودکی و دوران بزرگسالی. مرزهای نوجوانی نیز در قالب معادلات ریاضی نمی‌گنجد و نمی‌توان حدود آن‌را به روشنی مشخص کرد. در این‌جا هم علم و تجربه انسان‌ها، تعاریف متفاوتی از حقوق و نیاز و... نوجوانان در مقایسه با کودکان و بزرگسالان به دست داده است.

از جمله مهم‌ترین تفاوت‌های نوجوانی با دوران کودکی، تفاوت در رفتار انتقادی نوجوان در مقایسه با رفتار انتقادی کودکان و بزرگسالان است. کودک موجودی بسیار پرسشگر اما نه منتقد است. در مقابل، نوجوان هم پرسشگر و هم شکاک و منتقد است.

ابزاری است به جای عقل منتقد. عقل ابزاری قادر به تولید پدیده‌های مدرن نیست و هر آن‌چه تولید می‌کند، به نوعی باز تولید آن چیزی است که قبلاً تولید شده، هر چند به شکلی دیگر.

عقل، ابزاری محافظه‌کار است و به ریشه و علت‌های پیدایی مفاهیم نمی‌اندیشد، بلکه به شکل ابزاری در دست صاحبان قدرت و ثروت، به کار حفظ آن چه هست، می‌پردازد.

این دو اندیشمند پس از این استدلال، به مجموعه تولیدات فرهنگی مثل برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، مجلات، روزنامه‌ها، سینما و... حمله می‌کنند و این برنامه‌سازان و نویسندگان را کاسب‌کار می‌خوانند.

۳- براساس گفته‌های بالا، تعریف مدرن با تعریف جدید - که متأسفانه در زبان فارسی اغلب به یک معنا به کار می‌رود - متفاوت می‌شود. برای مثال، نوشتن یک داستان، سرودن یک شعر، ترجمه یک متن، تولید یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی، تولید یک فیلم سینمایی و... وقتی بخشی از فرهنگ مدرن تلقی می‌شود که حاصل عقل منتقد باشد، نه عقل ابزاری.

با این تعریف، آن نخستین داستانی که برای کودک و نوجوان ایرانی به زبان فارسی نوشته شد، یک کالای فرهنگی مدرن است؛ هر چند امروز ما آن را پر از مشکلات متعدد زبانی و فنی بدانیم. در مقابل، داستانی که امروز تولید شود و هیچ مشکل پدیده زبانی و فنی نداشته باشد، اما حرف تازه‌ای هم مطرح نکند، حرفی که حاصل اندیشه عقل منتقد باشد، یک پدیده مدرن تلقی نمی‌شود.

۴- متفکران مکتب فرانکفورت، عقل غیرابزاری را عقلی رادیکال و عقل ابزاری را عقلی محافظه‌کار می‌دانند. آنان می‌گویند، عقل منتقد که از ابزاری شدن در دست صاحبان قدرت و ثروت و سلطه‌جویان می‌گریزد و دمامد تمامی مفاهیمی را که در قالب

تربیت کنند.

یعنی عقل منتقد، جواز ادبیات کودک را صادر کرد، اما آن را به دست عقل ابزاری سپرد.

این گفته در مورد نخستین متون ادبیات کودک و نوجوان ایرانی هم که در سال‌های آغازین تجددخواهی در ایران نوشته شده، صادق است. برای مثال، کتاب احمد یک داستان به نوعی علمی - تخیلی برای ایران آن سال‌هاست که بیش‌تر به شکل معرفی محصولات غربی و نحوه ورود و راه‌اندازی آن‌ها در ایران آن زمان، به ویژه تبریز و شهرهای پیرامون آن پرداخته است. کتاب احمد، خود یک پدیده مدرن در آن زمان می‌تواند معرفی شود. اما نویسنده کتاب احمد، نه یک متفکر اصیل و نه معلم انتقاد و رادیکالیسم است، بلکه او فقط یک خبررسان خبره است که گوشه‌هایی از دانش جدید را به همراه نمونه‌هایی از محصولات غربی، به خواننده خود معرفی می‌کند.

۷- پرسش دوم این است که آیا ادبیات نوجوان می‌تواند ادبیاتی مدرن باشد؟

نوجوان به دلیل اطلاعات و تجربیاتی که در دوران کودکی کسب کرده و مفاهیمی که در دوران کودکی به شتاب و بدون کنکاش لازم پذیرفته است، می‌تواند به بازاندیشی بپردازد. این بازاندیشی می‌تواند به شکل آشنایی زدایی جلوه کند و به نوعی نام نقد رادیکال به خود بگیرد. نوجوان خلاف کودک می‌تواند تعاریف مختلف و متفاوتی از مفاهیم آشنا یا تازه را بشنود و تاب بیاورد و دست به انتخاب بزند. اما این توان در نوجوان، هنوز آن‌چنان که باید، قوام نیافته است و هنوز اقتدار بزرگسالان که معتقدند رفتار با نوجوان باید رفتاری محافظه‌کارانه باشد، بر دوران نوجوانی سلطه دارد و بزرگسالان در پی تعریف فردی به هنجار در برابر اجتماع هستند.

از این‌جاست که ادبیات نوجوان، ظرفیتی برای مدرن شدن نشان می‌دهد که ادبیات کودک فاقد آن

بزرگسال هم در مقایسه با کودک، موجودی است که هم توان پرسشگری و شک و نقد دارد و هم توان عمل.

عمر پرسش اصلی این نوشته این است که: آیا ادبیات کودک می‌تواند ادبیاتی مدرن باشد؟

هر چند تعریف شناخت دوران کودکی، به صورتی که امروز ما از آن آگاهیم، خود محصول فعالیت عقل منتقد و رادیکالی است که عصر روشنگری را باعث شد و دنیای مدرن پس از آن را ساخت، کودک به دلیل تعریف متفاوتی که عمل عقل در این دوران دارد، نمی‌تواند موجودی منتقد و رادیکال باشد. عقل کودکی، عقلی است شناسنده؛ یعنی در حال شناخت نه بازنمایش و بازشناس. پرسش‌های کودکانه، پرسش‌هایی برای اولین بار است و از باب آشنایی و تا آشنایی حاصل نشود، چگونه می‌تواند نقادانه به آشنا بنگرد و آشنایی‌زدایی کند؟ از این‌رو، کودک همیشه موجودی تازه و نه مدرن خواهد بود.

اما ادبیات کودک، اتفاقی است در عالم بزرگسالی که در نخستین روزهای تولید فرهنگ مدرن متولد شد و بلادرنگ، به یکی از مظاهر صنعت فرهنگ تبدیل شد. چرا بزرگسالان تصمیم گرفتند با کودکان محافظه‌کارانه برخورد کنند؟ محافظه‌کارانه‌تر از پیش. هدف بزرگسالان این شد که کودکان را در معرض خطرهای مختلف جسمی و فکری و روحی قرار ندهند و آنان را به شکل انسان‌های به هنجار اجتماعی تربیت کنند و به این ترتیب، نقد و رادیکالیسم را از ادبیات کودک بیرون کردند.

نخستین نویسندگان کتاب‌های کودک و نوجوان، در مقدمه کتاب‌هاشان برای دفاع از کار مدرن خود، توضیح دادند و نوشتند که در پی تولید متونی با هدف پرورش انسان‌هایی به هنجار، حتی بسیار نزدیک به تعریف قرون وسطایی هستند آنان هرگز نگفتند که می‌خواهند انسان‌هایی منتقد و پرخاشگر و مدرن

است و باز از این جاست که نظارت بر ادبیات نوجوان و حساسیت روی آن، بسیار بیش‌تر از ادبیات کودک است. در مجموع باید گفت که کودک و نوجوان و ادبیات کودک، به تمامی و ادبیات نوجوان تا حدودی، در بهترین شکل - مثل دوران روشنگری - از حاصل عمل عقل منتقد رادیکال بهره می‌برد، نه از خود عمل عقل منتقد و رادیکال.

۸- نوشته‌های مرتبط با موضوع این نوشته را می‌توان تحت عنوان ادبیات کودک و نوجوان ادبیات

روشنفکری نیست. ادبیات کودک و نوجوان ذاتاً سیاسی است. ادبیات کودک و نوجوان متنی آموزشی است، معرفی کرد.

۹- مجموعه گفته‌های این نوشته، نقض خواهد شد اگر تعریف ما از دوران کودکی و دوران نوجوانی تغییر کنند و یا تعریف مدرن و فرهنگ مدرن و صنعت فرهنگ که در این نوشته مبنای بحث قرار گرفته‌اند، نقض شود.

به نام خداوند باقی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

در گذشت زنده یادان **جعفر پایور** و **مریم واعظی** دو تن از همکاران فرهیخته پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، پاییز را غم‌انگیز ساخت.
یادشان در دل دوستان و نوشته‌هایشان در صفحات پژوهشنامه به یادگار باقی است.

خانواده پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان